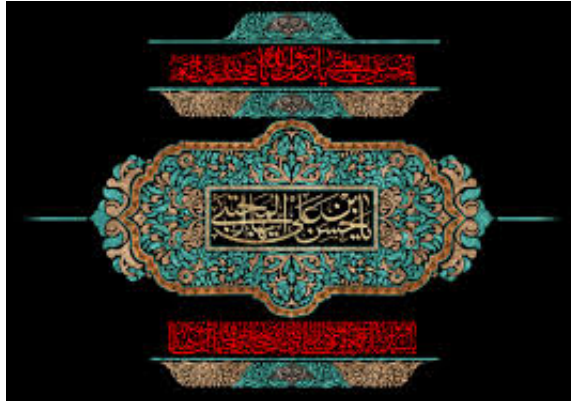


امام حسن مجتبه عليه السلام



امام حسن مجتبه عليه السلام

حسن بن علی بن ابیطالب علیهما السلام معروف به امام مجتبه علیهما السلام (۳۳-۳۵ ق) دومین امام شیعیه و بزرگترین فرزند امام علی علیهما السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها است که در ۳۳ سالگی به امامت و خلافت رسید و در سال ۳۵ ق با معاویه صلح کرد.

دوره خلافت وی شش ماه و سه روز طول کشید. امام حسن علیهما السلام پس از صلح، به مدینه رفت و ده سال در آنجا بود تا اینکه به شهادت رسید و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

عهددار امامت و خلافت و تلاش در جهت اتحاد و همبستگی میان مسلمانان، که در نهایت منجر به صلح با معاویه شد، تصویر مهمی از شخصیت بردبار و به دست میدهی دوران خلافت و صلح امام با معاویه از مهمترین رخدادهای حیات ایشان و نیز صدر اسلام بود که هم در زمان خود سبب اتحاد شد و هم به مثابه آموزه‌های دینی - اخلاقی در طول تاریخ مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، بر روایتی که بر خدای مفاهم اساسی مانند اقتدار، جناب و صلح، تأثیر نهاد.

نسب

حسن بن علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف، هاشم و قرش است. مادرش حضرت فاطمه سلام الله علیها دختر امامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و او بزرگترین نوه امامبر است. (الارشاد، ج ۱، ص ۱)

ولادت

امام حسن علیهما السلام در مدینه به دنیا آمد (الارشاد، ج ۱، ص ۱؛ تهذیب الاحلام، ج ۱، ص ۱). بنابر مشهور، تاریخ ولادت او ۱۱ رمضان سال سوم هجر است (اللاف، ج ۱، ص ۱؛ کتاب البدء و التاریخ، ج ۱، ص ۱). البته برخی روایات و منابع تاریخ تولد او را سال دوم هجرت دانسته‌اند. (الامامه و السلسله، ص ۱؛ اللاف، ج ۱، ص ۱؛ تهذیب الاحلام، ج ۱، ص ۱)

پس از تولد، امامبر در گوش او اذان گفت (مسند، ج ۱، ص ۱؛ سنن الترمذی، ج ۱، ص ۱؛ الامامة و التبصرة من الحلة، ج ۱، ص ۱) و در هفتمین روز ولادتش وسفند را عقده کرد. (سنن النسائی، ج ۱، ص ۱؛ اللاف، ج ۱، ص ۱؛ المستدرک علی الصحاح، ج ۱، ص ۱)

نام‌ذاری

واژه «حسن» به معنای نیکو است. این نام را امامبر بر امام نهاد (المسند، ج ۱، ص ۱؛ الادب المفرد، ص ۱؛ اللاف، ج ۱، ص ۱) و در برخی احادیث این نام‌ذاری به الهام الهی منسوب است (علل الشرائع، ج ۱، ص ۱-۱۱۱؛ الامال، ص ۱-۱۱۱). بنابر برخی اقوال نام‌ها حسن و حسین معادل شبر و شبر، نام‌ها سیران هارون هستند (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۱). گفتنی است که این دو نام از نام‌ها بهشتی‌اند که قبل از اسلام نزد مردم عرب سابقه نداشتند (اسد الغابة فی معرفة الصحابه، ج ۱، ص ۱). بر اساس راه‌ها از گزارش‌ها که در منابع اهل سنت آمده است، امام علی علیهما السلام پیش از آنکه امامبر سیر او را حسن بنامد، نام حمزه (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۱) یا حرب (المستدرک علی الصحاح، ج ۱، ص ۱) را بر او برزیده بود؛

اما اعلام كرد كه در نامگذار فرزندش، بر رسول خدا شش نموده كرد. (علون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۱۱)

لقبها و القاب

لقبها تقریباً در همه منابع لقب امام حسن «ابومحمد» است (المعارف، ص ۱۱۱؛ الارشاد، ج ۱، ص ۱۱۱؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۱۱۱). خصیب به جز ابومحمد، ابوالقاسم را هم به عنوان لقب برای امام حسن آورده است. (الهدایة الکبری، ص ۱۱۱)

القاب

القاب مشترک حسن به نقل از کتاب القاب الرسول و عترته عبارتاند از: سبط رسول الله، رحانه نبی الله، سید شباب اهل الجنة، قره عین البتول، عالم، ملهم الحق، و قائد الخلق (القاب الرسول و عترته، ص ۱۱۱-۱۱۲). ابن ابی الثلج القاب امیر، حجة، فیه، سبط، و ولای را القاب خاص آن حضرت شمرده است. ، (تاریخ الائمه، ص ۱۱۱) ، برخه هم القاب دیگر را آورده اند، مانند ابن شهر آشوب: «سبط اول، امام ثانی، مقتدای ثالث، ذلر رابع، و مباهل خامس» (مناقب آل ابیطالب، قم، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۲). جز اینها، نامها و القاب بسیار در منابع شیعیه میتوان جست. مجتبی، زین، تقه و لریم اهل بیت از القاب معروف ایشان نزد شیعیان است. ابن طلحه شافعی مشهورترین لقب امام را «تقی» و والاترین لقب او را «سید» ذلر کرده است، به این دلیل که امام فرمود: «ان ابنا هذا سید». (مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، ج ۱، ص ۱۱۱)

همسران و فرزندان

در باره تعداد دفعات ازدواج امام حسن و تعداد همسران آن حضرت روایات زیاد ذلر شده است (انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۱۱). برخه تعداد همسران او را سصد (مناقب آل ابیطالب، ج ۱، ص ۱۱۱؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۱۱) ، برخه دولست (البدء و التاریخ، قاهره، ج ۱، ص ۱۱۱)، برخه نود (بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۱۱) و برخه هفتاد نفر (انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۱۱) شمرده اند. این ارقام مبالغه آمیز در باره تعداد همسران آن حضرت با آنکه در منابع

معتبر درباره نام همسران و فرزندان ایشان آورده‌اند، تناسبی ندارد (مجموعه مقالات همایش سبط النبیه، ج ۱، ص ۱۱۱). مورخان با تمام تفحصی که در زندگانی ائمه داشتند، فقط از نام و نشان هجده همسر زارش داده‌اند که از این تعداد نام پنج نفر مشخص نیست و فقط نام قبائلشان وجود دارد. (حقالقنیه، ص ۱۱۱)

در تعداد فرزندان آن حضرت نیز اختلاف است. شیخ مفید تعداد فرزندان امام را ۱۱ تن ذکر کرده است. (الارشاد، ج ۱، ص ۱۱۱)

همسر

نسب

فرزندان

توضیحات

جعبه

دختر اشعث بن قیس

...

نقل شده است او به تحریر معاویه امام حسن را مسموم کرد و به شهادت رساند. (الارشاد، ص ۱۱۱، ج ۱، ص ۱۱۱)

ام بشیر

دختر ابومسعود عقبه بن عمر انصار

زاده، ام الحسن و ام الحسن

...

خوله

دختر منظور بن زاد فزار

حسن بن حسن ملقب به حسن مثنى

...

حفصه

دختر عبدالرحمن بن ابي بلال

...

...

ام اسحاق

دختر طلحه بن عبدالله مثنى

حسن ملقب به اثرم، طلحه و فاطمه

...

هند

دختر سهل بن عمرو

...

...

نفاذ رمله

نفاذ

عمر، قاسم، عبدالله و ابوبکر

در واقعه بربلا قاسم و عبدالله و ابوبکر به شهادت رساندند و عمر به اسارت درآمد.

نفاذ همسر دگر

نفاذ

عبدالرحمن، ام عبدالله، ام سلمه و رقیه

ام عبدالله، همسر امام سجاد و مادر امام باقر و جزو اسراران ربلا بود.

علامه مجلسی از ابوبکر بن حسن زلی در شمار فرزندان آن حضرت یاد کرده است (بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۳۳۳). شیخ طبرسی برای آن حضرت نه سر و هفت دختر مسماردا (اعلام الور، دارالتعارف للمطبوعات، بلروت ۱۳۳۳ق، ص ۳۳۳). ابن جوزی، ابن هشام و واقفی فرزندان آن حضرت را نازده سر و هشت دختر ممانند و نامها آنان را ذکر ممانند. (تذکره الخواص، ص ۳۳۳) تا آنجا که معلوم است در میان دختران امام علاءالسلام امالحسن به همسر عبدالله بن زبیر درآمد، ام عبدالله به همسر امام سجاد علاءالسلام و امسلمه به همسر عمرو بن منذر بن زبیر. (کتاب نسب قریش، ص ۳۳)

نسل امام حسن

از سران امام حسن علاءالسلام چهار نفر به نامها حسن مثنی، زید، عمر و حسن اثرم دارا فرزند شدند. نسل حسن اثرم و عمرو به زود از بلن رفت و تنها نسل حسن مثنی و زید بن حسن باقی ماند (المجدد فی أنساب الطالبین، ص ۳۳۳). فرزندان امام علاءالسلام را سادات حسنی ممانند (الأنساب، ج ۱، ص ۳۳۳). این خاندان در طول تاریخ تحریکات اجتماعی و سیاسی زیدیه داشته‌اند. آنان قلمها در سده دوم و سوم انجام داده و حکومتها متعدد در نقاط مختلف شورهای اسلام بر پا کرده‌اند که بعضی از این حکومتها تا نون ابرجاست؛ این سلسله از سادات در برخی مناطق به اشراف معروف‌اند. خاندان طباطبایی، مدرس، حسنی، شجریان و لستانه از شاخه‌های فرع سادات حسنی هستند.

قبل از امامت

در دوران امامبر صلاالله‌علاه‌واله

امام حسن هفت سال از عمرش را در دوران امامبر سرد (الطبقات الامیر، ج ۳، ص ۳۳۳؛ الاستیعاب، ج ۱،

ص ۳۳۳). امام حسن علاوه بر در محضر امامبر در بسملار از حوادث دوران هجرت همراه ایشان بود، مانند حادثه مباحله، آن حضرت مشمول حدیث مسا و آه تطهر شد که از دلائل مهم بر عصمت آن حضرت است. علاوه بر آن همراه برادرش حسن در بعثت رضوان حاضر بود. امام حسن به همراه برادرش، امام حسن، بالا سر آن حضرت هنگام رحلت حاضر بود. (غیرالأخبار و درر الآثار، ص ۳۳۳)

در منابع شیعیه و سنیه روایات قابل توجهی درباره شأن و جایگاه امام حسن مجتبه علیه السلام نزد امامبر اسلام صلوات الله علیه و آله وجود دارد. براء بن مود: امامبر صلوات الله علیه و آله را ددم که حسن بن علی علیه السلام رو دوشش بود و در آن حال مرفت: خدا من دوستش مدارم، تو نیز او را دوست بدار (صحیح بخاری، ج ۳، ص ۳۳۳؛ تاریخ الخلفاء، ص ۳۳۳). در حدیث دیگر وارد شده است که امامبر صلوات الله علیه و آله در حال که حسن و حسن را بر لای خود نشانده بود فرمود: این دو سران من و سران دختر من هستند، خدا من دوستشان دارم، پس تو نیز دوستشان بدار، و دوست بدار که آنها را دوست دارد. (تاریخ الخلفاء، ص ۳۳۳)

در حدیث دیگر نقل است که امامبر صلوات الله علیه و آله در شأن امام حسن علیه السلام و امام حسن علیه السلام فرمود: «حسن و حسن دو سرور جوانان بهشت اند» (تاریخ الخلفاء، ص ۳۳۳)؛ و نیز فرمود: «این دو فرزندم دو لیل خوشبو من از دنیا هستند» (بحار الأنوار، ج ۳، ص ۳۳۳؛ تاریخ الخلفاء، ص ۳۳۳) «حسن و حسن (این دو فرزند من) (الارشاد، ج ۳، ص ۳۳۳) امام هستند خواه قلام کنند یا صلح کنند» «اگر عقل در مردی مجسم مآشد همانا حسن بود.» (فرائد السمطن، ج ۳، ص ۳۳۳)

دوران خلفا سه گانه

بزارشها در باره اعتراض امام حسن علیه السلام به خلفا ثلاثه وجود دارد. به عنوان نمونه سلوط در تاریخ الخلفا آورده است:

روز امام حسن در سنن بود بر ابوبکر وارد شد؛ در حال که و بر فراز منبر سخن مرفت؛ حضرت بر او

بازند زد و با اعتراض بدو گفت: از منبر مدرم لاین بیا. ابوبکر در پاسخ گفت: به خدا راست گفتی، این منبر در توست نه در من. (تاریخ الخلفاء، ص ۱۱۱)

همین دربارہ حضور حسنین در جنگ‌ها منتهی به فتح ایران اختلاف نظر وجود دارد. بسیاری از وهشگران از جمله سعد جعفر مرتضی عاملی قائل‌اند، امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام در این جنگ‌ها حضور نداشته‌اند و گزارش‌ها می‌بنابرد آنها امام حسن در جنگ با ایرانیان حضور داشته، مبنای تاریخ استوار ندارند. (ن. به: تحلیلی از زندگی امام حسن مجتبی علیه‌السلام، ص ۱۱۱)

در انتقال خلافت از عمر به خلفه بعدی و تشویش شورایی که در نهایت به انتخاب عثمان انجام‌داد، درخواست عمر از امام حسن علیه‌السلام برای حضور در این شورش نفره به عنوان شاهد، اهمیت بالایی دارد؛ این امر از سوی به جایگاه اجتماع آن حضرت به مثابه یکی از اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اشاره می‌کند و از سوی دیگر، از موقعیت فردی و نزد انصار و مهاجران خبر می‌دهد. (الامامة والسلاسة، ج ۱، ص ۱۱۱؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۱۱؛ ن: المسقیفه و فدی، سراسر کتاب؛ به نقل دائرة المعارف بزرگ اسلام، ج ۱، ص ۱۱۱)

زمانی که عثمان، ابوذر را به ربه تبعید کرد دستور داد که او را مشایعت کنند و با او سخن نگویند، و امر کرد مروان بن حکم او را از مدینه بیرون نیند. به همین دلیل، هنگامی که ابوذر از مدینه بیرون می‌شد که جرئت همراهی او را نداشت؛ با این حال، امام علی علیه‌السلام و برادرش، عقیل و حسن و حسین (علیهما‌السلام) و عمار ماسر او را بدرقه کردند. (مروج الذهب، ج ۱، ص ۱۱۱)

در شورش مردم علیه خلفه سوم، امام علی علیه‌السلام برای حفظ اسلام حسن و حسین علیهما‌السلام را به خانه خلفه روانه کرد. البته منابع جزئیات این واقعه را متفاوت ذکر کرده‌اند. (الامامة والسلاسة، ج ۱، ص ۱۱۱ به بعد؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۱۱ - ۱۱۲؛ التمهید و البیان، ص ۱۱۱، ۱۱۲؛ مطهر البدء و التاریخ، ج ۱، ص ۱۱۱؛ الحداثة السیاسیة للإمام الحسن، ص ۱۱۱ به بعد؛ به نقل دائرة المعارف بزرگ اسلام، ج ۱، ص ۱۱۱، مدخل حسن(ع)، امام، ص ۱۱۱)

در زمان امامت حضرت علی (ع)

امام حسن و امام حسین علیهما السلام همراه پدرشان در جنگ‌ها، جمل، صفین و نهروان شرکت داشتند. (اعلان الشلعة، ج ۱، ص ۳۳۳)

جنگ جمل

هنگامی که ابوموسیٰ اشعری فرماندار کوفه با فرستادگان امام علی علیه السلام برای مقابله با شورش داخل (برای نندادن جنگ جمل) همکار نکرد، امام علی فرزند خود امام حسن را به همراه عمار اسیر با نامه‌ای به کوفه اعزام کرد. آن حضرت با سخنرانان خود در مسجد کوفه توانست حدود ده هزار نفر را به مدداند جنگ علیه نائین بیاورد. (حکایات فخری و سلسله امامان شلعه، ص ۳۳۳)

امام حسن قبل از جنگ جمل سخنرانان کرد (الجمل، ص ۳۳۳) و امام المؤمنین علیه السلام و او را در آن جنگ به مددانه (سمت راست) سلاه فرستاد (الجمل، ص ۳۳۳). برخی گفته‌اند که در آن جنگ، حضرت علی علیه السلام به محمد حنفیه فرمود: این نلزه را بگیر و جمل [منظور شتر عایشه است] که عده بسار در مقابل آن کشته شدند] را بگیر. محمد حنفیه رفت و از شدت تلباران بازگشت. پس از او حسن نلزه را گرفت و شتر را گرفت. (موسوعة سلرة اهل البیت، ج ۳، ص ۳۳۳ تا ورقه)

جنگ صفین

در جنگ صفین هنگامی که امام علی علیه السلام رزم او را دید برای محافظت از جان او و برادرش حسین علیهما السلام، دستور داد تا آنان را به عقب برگردانند. امام علی علیه السلام فرمود:

سیرانم را از جنگ باز دارم که از به خطر افتادن جان آن دو بیم دارم و مگر رسم نسل رسول خدا (ص) قطع شود. (الدلاء الحسن، ترجمه فخرالدین حجازی، ص ۳۳۳)

در آن جنگ، وقتی معاویه جنگیدن امام حسن را دید، پوشش تا او را با وعده‌ها از مدداند به در کند. به

همان منظور، عبدالله بن عمر - فرزند لو - خلافت دوم را به مدان جن فرستاد تا امام حسن علیه السلام را با وعده خلافت از مدان به در کند. وقت عبدالله، امام مجتبی علیه السلام را مشغول بازار داد، نزد رفت و گفت: «با تو بازار دارم». امام دست از جن کشید و نزد آمد. عبدالله شهادت معاویه را به امام رساند. امام با تند فرمود:

لو مبنیت که امروز ما فردا شسته خواهد شد، ولا شطان فریب داده و این کار را برایت زبیا نموده است تا روز که زنان شام بر جنازهات بپرند. به زود خدا بر زلفت مازند و جنازهات را با صورت به خاک مینهد. عبدالله به سو خشمه ماه بازشت. معاویه با دادن حالت او، خود به جواب او برد و گفت: او سر همان در است. (الحياة الحسن، ترجمه فخرالدین حجازی، ص ۳۳۳)

حضرت علی برای جلوگیری از وقوع فتنه و اختلاف بعد از جریان حمله، فرزندش امام حسن را فراخواند تا با سخنرانان و با بیان دلایل و برهان، واقعات امر را بر مردم آشکار کند و امام حسن نیز نالین کرد. (حياة الحسن، ص ۳۳۳)

نامه سه و پنجم نهج البلاغه و صلوات نامه اخلاق معروف امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام است که در بازشت از صفین در منطقه ای به نام «حاضرین» نوشته شده است.

امامت

بعد از شهادت امام علی علیه السلام در ۱۱ رمضان سال ۴۰ ق امام حسن علیه السلام هدایت و امامت مسلمانان را عهده دار شد. امامت امام حسن ۱۱ سال طول کشید.

دلایل امامت

۱. روایات امامیر:

ابنای هذان امامان قاما او قعدا

این دو [حسین و حسن]، امام هستند خواه ققام کنند یا نزنند. (الارشاد، ص ۳۳۳)

و نلز حدیث دوازده خلافه:

هم خلفاء یا جابر وائمة المسلمین من بعد اولهم علا بن ابوطالب ثم الحسن والحسین و... (كشف الغمه، ج ۳، ص ۳۳۳؛ مال الدین و تمام النعمة، ج ۳، ص ۳۳۳)

۳. اشاره امام علا در وصیتنامه اش به امامت امام حسن. (اصول افا، ج ۳، ص ۳۳۳)

۴. اجماع اهل بیت و امامبر (ص) بر امامت ایشان. (مطالب السؤول ف مناقب آل الرسول، ج ۳، ص ۳۳۳)

۵. عصمت و افضلیت از شراط امامت است. در زمان امام حسن علا السلام فقط ایشان دارا صفات مزبور بودند. (طالب السؤول ف مناقب آل الرسول، ج ۳، ص ۳۳۳)

از خلافت تا صلح

س از شهادت امام علا علا السلام مردم برا بیعت به سو امام حسن علا السلام شتافتند. آن حضرت بر منبر رفت و به ابراد خطبه برداخت. با ایشان خطبه، عبدالله بن عباس مردم را به بیعت فرا خواند. امام حسن بیعت عراقیان را با این شرط قبول کرد که با هر سه که قصد جنه داشت، بجنند و با هر سه که صلح کرد، صلح کنند (الامامه و الساسه، ج ۳، ص ۳۳۳ - ۳۳۳؛ انساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۳۳). برخه، که آماده جنه با معاویه بودند، از این سخنران برداشت کردند که امام حسن قصد صلح دارد (انساب الاشراف، ص ۳۳۳، ج ۳، ص ۳۳۳). آنان به سو امام حسن شتافتند؛ اما آن حضرت خود را مطیع برادر دانست. آنان سلس بازگشتند و با امام حسن بیعت کردند. بدین ترتیب مسلمانان در سرزمینها مختلف لون عراق، حجاز و ایران خلافت حسن بن علا را به رسمیت شناختند. در این مهان منطقه شام که به شدت تحت نفوذ معاویه

و کارانش بود در شمار بلعت کنندگان قرار نداشت. (الامامه و السلسله، ج ۱، ص ۳۳۳-۳۳۴؛ الارشاد، ج ۱، ص ۱ به بعد؛ الفتوح، ج ۱، ص ۳۳۳)

بر اساس برخی گزارش‌ها امام حسن قرطب به نُه ماه روز با بیشتر، پس از شهادت پدر و بلعت مردم، در زمينه جنگ با صلح هفت اقدام نکرد (انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۳۳). نخستین اقدام امام پس از بلعت، افزایش صد درصد مستمر جنگجویان بود. (مقاتل الطالبین، ص ۳۳۳)

جنگ با معاویه

هنگامی که معاویه از شهادت امام علاء السلام با خبر شد و فهمید که مردم با فرزند و بلعت کرده‌اند، دو نفر را برای جاسوسی و تحریر مردم علاء امام حسن به بصره و بوفه فرستاد. امام حسن دستور داد هر دو را دستگیر و مجازات کنند (الارشاد، ج ۱، ص ۳۳۳). امام حسن علاء السلام نامه‌ای به معاویه نوشت و خواست که تسلیم شود. و در پاسخ به امام نوشت که اگر امام تسلیم شود، از اموال عراق هر که بخواهد به او مدهد و بعد از مرگ معاویه هم خلافت به او می‌رسد. (انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۳۳؛ الفتوح، ج ۱، ص ۳۳۳ - ۳۳۴؛ مقاتل الطالبین، ص ۳۳۳ - ۳۳۴)

بلعت مردم عراق و تأکید ضمنی اهالی حجاز، یمن و فارس و پاسخ صریح امام به معاویه، راهی جز جنگ را برای معاویه، که در صدد تصاحب قدرت بود، باقی نداشت. از این رو، معاویه آماده کار شد (مقاتل الطالبین، ص ۳۳۳ - ۳۳۴) و سه‌هزار نفر برای حرات به عراق آماده کرد (الفتوح، ج ۱، ص ۳۳۳). وقت سه‌هزار معاویه از لیل منبج، واقع بر رود فرات، عبور کرد، امام حسن علاء السلام از مردم بوفه خواست آماده جهاد شوند و حجر بن عدی را مأمور بسیج مردم کرد. (مقاتل الطالبین، ص ۳۳۳ - ۳۳۴)

با عزیمت سه‌هزار بوفه برای جنگ، امام در سبایط مدائن به سه‌هزار پوست و در خطبه‌ای مردم را به همدلی و وحدت فراخواند و اصلاح ذات البین را بهتر از تفرقه و کینه و دشمنی برشمرد. از این سخنان مردم نین در یافتند که امام قصد صلح با معاویه را دارد. از این رو عدی او را به نفر متهم کردند و به خیمه‌اش

لورش بردند و شمار زکاد از مردم او را تری کردند (الفتوح، ج ۱، ص ۳۳۳؛ مقاتل الطالبین، ص ۳۳ - ۳۴) هم‌نظیر معاویه در نامه‌ای به عبدالله بن عباس، فرمانده سلاطین عراق، این و انمود کرد که امام حسن علیه السلام از معاویه طلب صلح کرده است و اگر عبدالله همراهی با او را بپذیرد، و او را ولایت و مال فراوان خواهد داد. عبدالله نیز به همان اندازه امام درخواست صلح کرده، در فکر سودجویی شخصی برآمد و به خواست معاویه تن داد و شبانه همراه با شمار، حدود دو سوم سلاطین، به معاویه پیوست. (مقاتل الطالبین، ص ۳۳؛ شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۳۳ - ۳۴)

از تأثیرات این رخداد این بود که برخی از رؤسای قبایل عراق طایفه‌ها را از معاویه حمایت کردند. بعد از این قضیه معاویه قصد تطمین قلب بن سعد، که فرمانده سلاطین عراق شده بود، را نیز داشت که با شکست مواجه شد. (ذی الفتوح، ج ۱، ص ۳۳۳ - ۳۳۴؛ مقاتل الطالبین، ص ۳۳۳؛ شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۳۳۳ - ۳۳۴)

در همین اوضاع بود که معاویه دو نماینده برای پیشنهاد صلح نزد امام حسن فرستاد.

صلح با معاویه

معاویه دو نماینده برای پیشنهاد صلح نزد امام حسن علیه السلام فرستاد. این نماینده‌ها با بیان آنکه با دیدن خون‌ریزی جلوسری کرد، امام را به صلح دعوت کردند. آنان گفتند که خلافت پس از معاویه به امام می‌رسد. معاویه همراه آنان غذا سفید با مهر خود نزد امام فرستاد و از ایشان خواست که خود شروط صلح را بنویسند. (انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۳ - ۳۴؛ الفتوح، ج ۱، ص ۳۳۳ - ۳۳۴؛ مقاتل الطالبین، ص ۳۳ - ۳۴)

شروط و مواد صلح در منابع تاریخ و حدیث از حیث نوع و تعداد متفاوت است (انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۳؛ الفتوح، ج ۱، ص ۳۳۳؛ الارشاد، ج ۱، ص ۳۳؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۳۳۳؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۳ - ۳۴). بر اساس آنچه بلاذری نقل کرده، در این صلح نامه آمده بود: این صلح نامه حسن بن علی و معاویه بن ابی سفیان است. با او صلح می‌کنند که ولایت مسلمانان را به او بسپارد بدان شرط که:

به کتاب خدا و سنت پیامبر و سیره خلفا صالح رفتار کنند.

سید را ولعهد خود نسازد و پس از او کار با شورا مسلمانان باشد.

مردم هر جا باشند بر جان و مال و فرزندان خود امن خواهند بود.

معاویه نباید در نهان و آشکار غائله علیه حسن (ع) برآید و با سید از کاران او را بترساند.

عبدالله بن حارث و عمرو بن سلمه بر این صلح نامه موافقاند. انساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۳۳-۳۳۴؛ تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۳۳۳)

در منابع، زمانها متفاوت برای صلح ذکر شده است، از جمله ربیع الاول سال ۳۳، جماد الاول و جماد الاخره همان سال (مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۳۳؛ اسد الغاله، ج ۳، ص ۳۳۳ - ۳۳۴). مسعودی در کتاب التنبیه و الاشراف ربیع الاول را مشهورتر و صدیق‌تر دانسته است. (التنبیه و الاشراف، ص ۳۳۳)

از صلح تا شهادت

امام حسن بعد از صلح به مدینه رفت و در آنجا مرجعیت علم، دین، اجتماع و سیاست داشت. ایشان در مقابله معاویه و طرفدارانش در مدینه و دمشق موضع گرفت و با معاویه مناظراتی داشت که طبرستان آنها را در کتاب الاحتجاج آورده است. (الاحتجاج، ج ۳، ص ۳۳۳-۳۳۴)

پس از آنکه امام حسن برای حفظ جان مسلمانان و جلوگیری از خدشه دار شدن دین ایشان با معاویه معاهده را امضا کرد، سخت‌ترین دوره‌ها زندگی خویش را آغاز کرد. نهمین اطرافیان، رعایت مناسبات سیاسی، امامت شیعان از دست دادن بسیار از کاران قدیم و شهادت ایشان از جمله سختیها این دوره بود.

این دوره از حیات امام حسن به رغم گوشه‌گیری ظاهر و خانه نشینی از دوره‌ها اثرگذار و بسطار دشوار در تاریخ حیات آن حضرت به شمار می‌آورد؛ که از سوی امامت شیعیان بر عهده آن حضرت بود و از سوی دیگر تغیرات به وجود آمده در مناسبات و با معاویه کار رسیدن به امور شیعیان را برای امام دشوار می‌ساخت.

امام حسن پس از صلح میان مردم حاضر شد و در خطبه‌ای ضمن اشاره به این واقعات که معاویه با او درباره حقیقت منازعه کرده، به بیان علت‌ها صلح خود که همانا حفظ جان مردم و جلوگیری از خونریزی بود، پرداخت (انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۰؛ الفتوح، ج ۱، ص ۱۰۰ - ۱۰۱). معاویه نیز پس از صلح و در نخستین حضورش در بوفه، سخنرانان کرد و عهدها را زیر نهاد و ضمن آنکه امام حسن را خواستار صلح معرفی کرد، به امام علاء (ع) نیز ناسزا گفت. سپس امام حسن در خطبه‌ای ماجرای صلح و شنهاد معاویه را شرح داده و پاسخ به حرمت معاویه به پدرش را داد. (تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۱۰۰ - ۱۰۱، مقاتل الطالبین، ص ۱۰۰ به بعد)

معاویه با آگاهی از جایگاه امام در ظاهر حرمت ایشان را نگاه می‌داشت برای نمونه در زمان که زناد بن ابیله در بوفه بر سر قدرت بود طایفه رخداده مربوط به آزار از طرف امام، آن حضرت در نامه‌ای او را از رفتار ناشایست بر حذر داشت. چون زناد پاسخ نامه امام را به حرمت داده بود، حضرت افزون بر جواب‌های تاریخی، موضوع را به معاویه انتقال داد و معاویه هم‌نام با خواست امام حسن زناد را به شدت تنوهد.

برنامه‌ریزی برای به قدرت رسیدن نیز توسط پدرش در آن دوره از مهم‌ترین انتقادهای امام به معاویه بود. بر این مبنا که جوانان لایباله و شرابخوار را بر مسند عظام بنشانند. البته رفتار آمر به معروف و ناهک از منظر امام در برابر معاویه بسطار نمونه دارد تا آنجا که در مواردی خلافه را به بی‌توجهی از کتاب و سنت امامی دعوت می‌کرد. (موسوعه، ص ۱۰۰ - ۱۰۱)

به دور از انتقادهای امام معصوم و تن ندادن به خواسته‌ها او آن حضرت بر آن بود که تا از میان رفتن

معاوّه مصلحت بر حرّات مقابله‌جویانه نداشت و بر همین اساس بر این معنا تصریح م‌افشرد. امام در زمان خروج از کوفه یاران را دعوت م‌کنند که خود را برای زمان مناسب مهیا دارند. (الدرّة الحسنة، ج ۱، ص ۱۱۱ - ۱۱۲)

زمانی که در قضیه خروج برخی از هوازن در زمره کربلای معلی ستورد بن علفه معاوّه را نبرد آماده م‌شد، ضمن درخواست تأیید، حضور امام را نیز در کنار خود ضروری م‌داند. در این میان عملکرد هوشمندانه امام و بهره‌جویی و اعتبار دهی به سخنان حضرت علی در تفصیح برخطا رفتگان از یاران (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۱) لزوم بر روی و پذیرش درخواست و نم‌بند؛ لذا از قرار رفتن در زمره کربلای معلی خودداری م‌کنند، بدون آنکه خدشه آشکار در مناسبات ایشان روا دهد. (علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۲؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۱۱)

در روایات است که معاوّه به رغم رفتار موجه خود در جمع، در خفا حتی فرمان داده بود که ضمن تعقیب شعلگان علی، در منابر به سب و بل‌دازند. ماردن فردی مانند زید بر ولایت کوفه هم بر همین اساس بوده است.

یاران امام که برخی از آنها در شمار صحابه کرام بودند با مشاهده عملکرد معاوّه و ولادت او هم‌گون زید بن ابی‌هبه، لب به انتقاد م‌شودند، هم‌شبه مورد آزار حکومتیان قرار داشتند. آنکه بر سر عمرو بن حمق خزاعی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ عمر او آمد، نمونه آشکارا از این امر است. عمرو به سبب نقد رفتار معاوّه تعقیب و در نهایت دستگیر شد و در زندان کوفه به شهادت رسید. (الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۱۱ - ۱۱۲؛ کتاب البداء و التاریخ، ج ۱، ص ۱۱۱)

امام حسن کون از شهادت عمرو آگاه شد، طایفه نامی به شدت معاوّه را نوهید (الائمة الاثنا عشر سیر و تاریخ، ص ۱۱۱) از دیگر نمونه‌های شوه عملکرد معاوّه در شستن عهد خویش با بد به رفتار او با حجر بن عدی و یارانش اشاره کرد که در ادامه انتقادهای شدیدی در کوفه دستگیر و به دمشق روان گشتند و سرانجام به شهادت رسیدند (تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۱۱۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۱۱). به این فهرست م‌توان نام رشید هجر از یاران ارسا امام علی (ع) را هم اضافه کرد که برخلاف خواست امام حسن (ع)

در مجموعه شروط صلح، به شهادت رسالت. (تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۳)

در کل بخش ۱۰۱۰ زندگانی امام حسن در بردارنده برخی سفرها به حجاز و دمشق هم هست (الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۳۳) دوره‌های دشوار بود و امام تنها با درایت و شجاعت با آن دروه گذار را پشت سر نهاد و عملاً زمان را برای امامت برادر خویش امام حسن مهیا نمود.

شهادت

بنابر مشهور، شهادت امام حسن در سال ۳۰ هجری قمری رخ داد (الارشاد، ج ۱، ص ۳۳۳؛ رساله فی تواریخ النبیه، ص ۳۳) و مرقد ایشان در قبرستان بقیع مکه باشد.

در مورد تاریخ شهادت امام حسن مجتبی نظرات متفاوتی نقل شده است:

شهادت امام در ۳ ماه صفر بوده است. (تاج الموالید، ص ۳۳)

شهادت امام در ۱ صفر بوده است. (الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۳۳)

در آخرین روز از ماه صفر، امام شهید شده است. (الانباء، ج ۱، ص ۳۳۳)

اقوال غلر مشهور دیگری نیز وجود دارد. (رجوع کنید به: بررسی و نقد گزارش های تاریخ شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام)

برخی محققان معاصر با تحقیق سند اقوال مختلف، قول اول را قابل استناد و قوی دانسته‌اند. (رجوع کنید به: بررسی و نقد گزارش های تاریخ شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام، ص ۱۰۹ - ۱۱۰)

شایخ مفید سن آن حضرت در هنگام شهادت ۳۳ ساله بوده است (الارشاد، ج ۱، ص ۳۳۳). با توجه به اختلاف اقوال درباره تاریخ وفات، مدت عمر و نیز اختلاف است. (ر: تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۳۳۳ - ۳۳۳)

بنابر بیشتر منابع شیعه و سنه، امام حسن(ع) با خوردن زهر به شهادت رسید (مقاتل الطالبین، ص ۳۳۳ - ۳۳۳؛ الارشاد، ج ۱، ص ۳۳۳). البته در برخی منابع غلغله از مرطبانی ایشان بر اثر بیماری سخن به میان آمده است. (الامام و المسلمه، ج ۱، ص ۳۳۳؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۳۳)

بنا بر نقل معاویه را نزد جده دختر اشعث بن قیس (همسر امام حسن) فرستاد که من به تو صد هزار درهم بدهم و تو را به همسرم بسرم، بزد، در خواهم آورد، به شرط آنکه حسن را زهر دهی. جده امام را مسموم کرد و معاویه قول را به او داد (الارشاد، ج ۱، ص ۳۳۳)؛ و او را به همسر بزد در نیاورد. ابن سعد به شهادت رساندن امام را به بزد از خادمان امام نسبت داده است (طبقات الاشراف، ج ۱، ص ۳۳۳). بنا بر نقل دیگران نیز به تشویق معاویه و به دست دختر سهیل بن عمرو، همسر دیگر امام، صورت گرفته است (انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۳۳). بلاذری در اسمای ازواج امام حسن یک اسم هند بنت سهیل بن عمرو آورده است. با توجه به شرایط آن دوران معاویه امام حسن را سدی در برابر ولایتعهدی بزد مبادد، به نظر می‌رسد روایات مربوط به مسموم شدن امام توسط جده بنت اشعث معتبرتر باشد. (Madelung, The Succession, p331)

بنابر برخی اقوال، امام حسن علیه السلام پیش از شهادت زندان بار مسموم شده بود، اما از مرگ نجات یافته بود (انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۳۳؛ مقاتل الطالبین، ص ۳۳۳). بنابراین در تاریخ عقوبت آمده، امام حسن در هنگام درگذشت، به برادرش امام حسن علیه السلام تا سدی کرده است که آن سومین بار است که او مسموم می‌شود، و در آن مسمومیت در خواهد گذشت. به روایت عقوبت، امام حسن مجتبی هم‌زمان از برادرش خواسته تا او را در کنار امامبر دفن کند؛ چرا که هر کسی به اندازه او سزاوار نزدیکی بودن به امامبر نیست. امام دوم شعبان هم‌زمان به امام حسن علیه السلام تا سدی کرده که مانع در برابر دفن شدنش در کنار امامبر باشد، منصرف شود تا خون از سر ریخته نشود. (تاریخ عقوبت، ج ۱، ص ۳۳۳)

بنا بر روایت شیخ طوسی (الامالی، ص ۳۳۳) امام حسن به برادرش، امام حسین، وصیت کرده بود او را در کنار مدفن اماممیراکم به خاک بسپارند؛ اما اگر سانه مانع این اقدام شدند، هرگز آفشار نکنند، مبادا خون ریخته شود. در نقل دیگر امام حسن وصیت کرده بود جسدش را پس از غسل و دفن برای تجدید عهد نزد قبر رسول خدا ببرند و سپس در کنار مادر بزرگش، فاطمه بنت اسد، دفن کنند. (الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۳)

هنگام آوردن جنازه آن حضرت برای زکارت قبر رسول خدا، مروان به همراه هزار تن از بارانش با سلاح در مراسم حاضر و مانع از زکارت شدند (انساب الاشراف، ۳۳۳، ج ۲، ص ۳۳۳). به روایت ابوالفرج اصفهانی عایشه در این باره همدست آنان بود (مقاتل الطالبین، ۳۳۳، ص ۳۳۳)؛ ولی بنا به نقل دیگر عایشه وقت اوضاع را نیک ندید، برای آنکه بار به جا خطرناک نرسد، مانع از دفن جنازه امام حسن در کنار قبر رسول خدا شد (انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۳۳). سرانجام امام حسین جنازه برادر خود را در قبرستان بقیع دفن کرد (انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۳۳).

آمده است که سعد بن عاص، حاکم مدینه، با درخواست امام حسین بر امام حسن نماز خواند (مقاتل الطالبین، ۳۳۳، ص ۳۳۳)؛ ولی با توجه به وجود روایات درباره آنکه امام معصوم را فقط امام معصوم میتواند غسل دهد و بر آن نماز بخواند، به نظر می‌رسد که امام حسین خودش قبلاً بر جنازه برادر نماز خوانده است، ولی در قبرستان بقیع برای رعایت تقیه به سعد بن عاص تعارف خواندن نماز کرده و او این شهادت را پذیرفته است. (زندگانه امام حسن، ص ۳۳۳)

و...ها و فضائل

امام حسن شبیه‌ترین مردم به رسول خدا (ص) در خو، رفتار و سلادت بود (شف الغمه، ج ۲، ص ۳۳۳). از اماممیراکم نقل شده است که خطاب به او فرمود: «لا حسن، تو از جهت آفرینش (صورت) و اخلاق (سلطرت و رفتار) شبیه من هستی. (بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۳۳۳) او قامت متوسط و محاسنه انبوه داشت (مناقب آل ابی

طالب، ج، ص ۳۳) و به رند سلاه خضاب مبرود. (طبقات الابرار، ج، ص ۳۳۳)

امام حسن علیه السلام ۳۳ از اصحاب ساء است (علون اخبار الرضا، ج، ص ۳۳) و امیر صدق الله علیه وآله در جریان مباحله، او و برادرش امام حسن، حضرت علا و فاطمه سلام الله علیهم را نلز به فرمان خدا، همراه خویش برد (تفسیر قم، ج، ص ۳۳۳؛ الزمخشر، الاشاف، ج، ص ۳۳۳). آله تطهر فضلته بزر برا و و سا اهل بیت علیهم السلام است. (تفسیر قم، ج، ص ۳۳۳)

امام حسن علیه السلام ۳۳ بار ۳۳۳ بار به حج رفت و سه بار مالش را در راه خدا تقسیم کرد به طور ۳۳ فحشش را بخشید و دم ۳۳ را برا خویش نله داشت. (السنن الابرار، ج، ص ۳۳۳؛ الامام علا (ع) من تاریخ دمشق، ص ۳۳۳؛ به نقل از منتخب فضائل النب و اهل بته علیهم السلام من الصحاح الستة و غلرهما من اللتب المعتبرة عند اهل السنة، ص ۳۳۳)

منابع

ابن ابی اثلیج، تاریخ الائمة، در مجموعه نفیسة فی تاریخ الائمة، ۱۰ محمود مرعش، قم: کتابخانه آیت الله مرعش نجف، ۳۳۳.

ابن ابی الحداد، شرح نهج البلاغه، به هوش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره ۳۳۳ ق.

ابن اثیر، اسد الغابه، بیروت: دارالکتب العربی.

ابن اعثم جوزفی، احمد، الفتوح، بیروت، ۳۳۳.

ابن بابویه، علا بن حسن، الامامة و التبصرة من الحدرة، قم ۳۳۳ ش.

ابن حنبل، احمد، مسند الامام احمد بن حنبل، بـلروت: دارصادر.

ابن سعد، الطبقات اللبر، ١٦ احسان عباس، بـلروت ١١١١-١١١١

ابن شهر آشوب، مناقب آل ابـ طالب، تحقـلـق لـجـنـه من اساتـذـه النـجـف الـاشـرف، نجـف: مـلـتـبـه الـحـلـبـيـه، ١١١١.

ابن شهر آشوب، مناقب آل ابـ طالب، ١٦ هاشم رسولا محللات، قم.

ابن صوفـي، علا، المـجـد فـي انـساب الـطـالـبـيـن، به ؤوشش احمد مهدوـي دامـغـانـي، قم: ١١١١/١١١١ م.

ابن طلحه شافعي، مطالب السؤول فـي مناقب آل الرسول، ١٦ ماجد بن احمد عطاه، بـلروت ١١١١ ق.

ابن عبدالبر، ؤوسف، الاستـعـاب، به ؤوشش علا محمد بـجاوـي، بـلروت، ١١١١ ق.

ابن عسـاـلـر، تـارـيـخ مـدـيـنة دـمـشـق، ١٦ علا شـلـر، بـلروت، ١١١١-١١١١.

ابن عنـبـه، احمد، عمدـة الـطـالـب، به ؤوشش محمد حسن آل طالقانـي، نجـف: ١١١١/١١١١ م.

ابن فـتـيـبه، الـامـامـة و الـسـلـاسـه، المـعـروف بـتـارـيـخ الخـلـفـاء، ١٦ علا شـلـر، بـلروت ١١١١/١١١١

ابن فـتـيـبه، المـعـارف، ١٦ ثـرـوت عـلـاشـه، قـاهـره، ١١١١

ابن فـتـيـبه، الـامـامـة و الـسـلـاسـة، به ؤوشش طه محمد زـنـنـي، قـاهـره، مـؤسـسة الـحـلـبـيـه.

ارـبـلـا، ؤشف الـخـمـه، نـاشـر مـجـمـع جـهـانـي اهل بـلـتـرـج (١١١١ ق).

اصفهان، ابوالفرج، مقاتل الطالبين، احمد صقر، بروت، ق.

اصفهان، ابوالفرج، مقاتل الطالبين، نجف، ق.

الاملن، السيد محسن، اعلمان الشلعة، حققه و اخرج السيد محسن الاملن، بروت: دارالتعارف للمطبوعات، ق/ق.

البخار، سهل، سر السلسلة العلوية، به وش محمدصادق بحر العلوم، نجف: ق/ق.

بخار، صحاح بخار، ناشر دارالقر

بلاذر، احمد، انساب الاشراف، به وش محمدباقر محمود، بروت، ق.

بلاذر، انساب الاشراف، بروت: دارالتعارف، ق.

ترمذ، محمد بن عس، سنن الترمذ، ابو الوهاب عبداللطيف، بروت، ق/ق.

جعفران، حجات فخر و ساس امامان شلعه، انتشارات انصاران

جوهر، احمد، السقفه و فد، به وش محمدهادد امذ، تهران، ق/ق.

جولذ، فرائد السمطين، مؤسسه المحمود، بروت، ق.

حام نشابور، محمد بن عبدالله، المستدر علا الصدحن، ابو يوسف عبدالرحمان مرعش، بروت.

خصلاً، حسلاً بن حمدان، الهداة البر، بلروت، /

راضاً لاسن، صلح الحسن، ترجمه سد علا خامه، انتشارات لشن ١٠ سدزدهم

رسائل الامام حسن(ع)، به لوش زنب حسن عبدالقادر، قاهره، /م.

زمانه، احمد، حقائق نهان، قم: دفتر تبلاعات اسلام، ، .

الزمخشري، محمود، الاشاف عن حقائق غوامض التنزل، ج، قم، نشر البلاغه، الطبعة الثانية، ق.

سلوط، تاريخ الخلفاء، بلجا بلتا

سلوط، جلال الدين، تاريخ الخلفاء، تحلق: لجنة من الادباء، توزع دار التعاون عباس احمد الباز، ملة المرمة.

شوشتر، محمداً، رسالة فـ تواريخ النبى، قم.

شهـ اول، محمد بن مـ، الدروس الشرعه، قم -.

شهـ، سدجعفر، تاريخ تحلا اسلام، تهران: مرز نشر دانسهـ، شـ.

شـخ صدوق، امال، انتشارات تابخانه اسلام.

شـخ صدوق، امال، ترجمه مرهـ.

شـخ صدوق، علل الشراع، نجف، -ق.

شليخ صدوق، علون أخبار الرضا، ترجمه آقا نجف.

طبرس، الاحتجاج انتشارات اسوه قم هلق

الطبر، محمد بن جرير، تاريخ طبر، بيروت: مؤسسة الاعلم للمطبوعات، بلانا

الطوس، محمد بن حسن، تهذيب الاحكام، قم حسن موسو خراسان، تهران، قم.

العامل، جعفر مرتض، الحاة الساسة للامام الحسن، قم، قم.

عامل، جعفر مرتض، تحلا از زند امام حسن مجتب، مترجم: سهر، انتشارات دفتر تبلاغات، قم

الطار، عز الله، مسند الامام المجتب، قم: عطار، قم.

علقه بخشا، عبدالرحم، هارده نور، تهران: قم.

عل بن ابراهم قم، تفسر قم، ناشر ملتبة الهد نجف.

القاب الرسول و عترته، در مجموعة نفاسة ف تاريخ الائمة.

القرش، موسوعة سلرة اهل البيت، ج (الامام الحسن بن علا)، تحلق: مهد باقر القرش، قم: دارالمعروف، قم/قم.

قرش، باقر شرف، الحاة الحسن، ترجمه فخرالدن حجاز، انتشارات بعث، قم.

قرش، باقر شرف، حاة الامام الحسن بن علا (ع): دراسة و تحلل، بيروت: قم/قم.

للإذاعة، أصول الأذاعة، دارالحدائق

للإذاعة، محمد بن عاقوب، الكاف، علاء أكبر غفار، بلروت

مالق، محمد، التمهيد و البيان، به لوش محمد يوسف زائد، قطر، ق.

مجلس، محمدباقر، بحار الأنوار (ط - بلروت)،

مجلس، محمدباقر، بحار الأنوار، بلروت: مؤسسه الوفا،.

مجموعه مقالات همايش بلن المللا سبط النب، قم: مجمع جهاند اهل بيت،.

المحمود، نهج السعادة في مستدر نهج البلاغه، ج. نجف: ف/م.

مسعود، علاء بن الحسن، مروج الذهب.

مسعود، علاء بن حسن، كتاب التنبيه والاشراف، علاء دخوله، لادن

مسعود، علاء بن حسن، مروج الذهب و معادن الجواهر، علاء شارل لا، بلروت -

المفاد، الجمل، ناشر ملتب الاعلام الاسلام،.

المفاد، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد في معرفة حجج الله علاء العباد، قم، سعاد بن جبر، ق

المفاد، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، بلروت،.

المفد، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، ترجمه خراسان انتشارات علمه اسلامه

مقدس، مطهر بن طاهر، كتاب البدء و التاريخ، لمان هوار، لارس، -.

مقدس، مطهر بن طاهر، مطهر البدء و التاريخ، قاهره، ملتبة الثقافة الدله.

مقدس، دالله، بررس و نقد لزارش ها تاريخ شهادات امام حسن مجتب علاه السلام، تاريخ الاسلام، سال لازدهم، ل و زمستان ق.

منتخب فضائل النب و اهل بلته علاهم السلام من الصحاح الستة و غيرها من اللتب المعتبرة عند اهل السنة، تقدّم: محمد بلوم مهران، بلروت: الغد، /.

نرم افزار جامع الاحادث، نسخه / مرلز تحقيقات امام ووتر علوم اسلام نور

نرم افزار نورالسلره، مرلز تحقيقات امام ووتر علوم اسلام نور.

نساء، احمد بن علا، سنن النساء، بشرح جلال الدين سوط، بلروت، داراللتب العلمة.

لعقوب، تاريخ لعقوب، ترجمه محمد ابراهيم آله انتشارات علمه و فرهه

1977Madelung, W., The Succession to Muhammad, Cambridge,